

حسین علایی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۷

چکیده

اختلاف بین گروه‌های فلسطینی، همواره یکی از معضلات مردم فلسطین در تمرکز بخشیدن به قوای خود در برابر رژیم صهیونیستی بوده است. از زمان اشغال فلسطین تا کنون، چگونگی تشکیل دولتی که بتواند حقوق فلسطینیان را استیفا نموده و آنها را از ناامنی و آوارگی دایمی نجات دهد، نه تنها دغدغه ساکنان آن سرزمین بلکه موضوع حل یکی از مهم‌ترین مشکلات خاورمیانه بوده است. یکی از طرح‌های مهم سازش که مورد حمایت آمریکا و برخی از کشورهای عربی است، طرح تشکیل دو دولت یهودی و فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی بر اساس مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷ است. بر اساس قطعنامه ۳۳۸ مصوب ۱۹۷۳، شورای امنیت سازمان ملل تاکید داشت که بر اساس قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، نیروهای نظامی اسرائیل باید از سرزمین‌های اشغالی خارج شوند اما هنوز اسرائیل در بخش قابل توجهی از سرزمین کشورهای عربی از جمله بلندی‌های جولان حضور دارد. در بسیاری از اجلاس‌های اتحادیه عرب تاکید شده تا زمانی که نیروهای نظامی اسرائیل از کشورهای عربی خارج نشوند، آنان تمایلی برای بازسازی روابط با اسرائیل نخواهند داشت. اسرائیل تا کنون نشان داده است که هیچ‌گونه علاقه‌ای به انعطاف‌پذیری در ارتباط با مرزهای خود ندارد و معتقد است تنها از طریق به‌کارگیری قدرت و توان نظامی می‌تواند به مطلوبیت‌های امنیتی نائل شود. از سوی دیگر، اسرائیل به‌عنوان کارگزار راهبردی آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شود و هر نوع تصمیم در مورد مساله فلسطین فقط با پذیرش آمریکا امکان‌پذیر خواهد شد. در وضعیت کنونی، توافق بین گروه‌های فلسطینی با توجه به نکات فوق قابل فهم و درک است. در این مقاله به ابعاد گوناگون توافق آشتی ملی بین گروه‌های فلسطینی و تاثیر آن بر آینده فلسطین پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: جنبش حماس، تشکیلات خودگردان فلسطین، توافق‌نامه آشتی، اسرائیل، مرزهای ۱۹۶۷

* عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

alaei_hossein@yahoo.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۳۳ - ۷.

مقدمه

مساله فلسطین جزئی از مشکلات و مسایل خاورمیانه است و اوضاع فعلی آن در راستای تغییر و تحولات جاری در جهان عرب، قابل تجزیه و تحلیل است. از آغاز تشکیل رژیم صهیونیستی تاکنون، بیش از ۲۰ طرح برای حل مساله فلسطین از سوی کشورهای غربی ارایه شده است تا با کمک آنان اسرائیل بتواند به بقای خود ادامه دهد. یکی از مهم‌ترین این طرح‌ها، تشکیل دو دولت مستقل فلسطینی و یهودی بر اساس مرزهای قبل از جنگ شش روزه سال ۱۹۴۷ میلادی در سرزمین‌های فلسطینی است. این طرح به‌صورت جدی در دوران دولت بوش در اجلاس آنابولیس در سال ۲۰۰۷ مطرح شد. در حال حاضر، دولت آمریکا از طرح تشکیل دو دولت بر مبنای مرزهای ۱۹۴۷ حمایت می‌کند. در شرایط فعلی، وضعیت ساکنین سرزمین‌های اشغالی فلسطین سیال و تحت تاثیر پیروزی‌های مردم در کشورهای عربی است. قرار است در سال آینده انتخابات در محدوده سرزمین‌های فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه برگزار شود. روز ۲۵ اردیبهشت که از سوی فلسطینی‌ها به‌عنوان روز نکبت خوانده شده است، برای اسرائیل که ۶۳ سال از تاسیس آن می‌گذرد، به اسم روز استقلال نام‌گذاری شده است. جنبش‌های آزادی‌خواهی در کشورهای عربی و پیروزی مردم مصر در برکناری حسنی مبارک از مقام ریاست جمهوری، تاثیر عمیقی بر مقاومت و افزایش روحیه مردم فلسطین در کناره باختری و نوار غزه داشته است. در سال‌های اخیر مشکل بزرگ فلسطینی‌ها علاوه بر اشغال سرزمینشان از سوی صهیونیست‌ها، اختلاف بین سران آنها به‌ویژه خصومت و نزاع بین دو گروه بزرگ فتح و حماس بوده است.

در اوضاع کنونی در مسایل مربوط به فلسطین چهار حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی فعال است:

۱. محور آمریکا - اسرائیل

این محور به‌دنبال حل مشکل بقا و امنیت و تامین صلحی پایدار برای اسرائیل است و سعی در جلب همکاری سازنده و پیوسته کشورهای عربی؛ از جمله عربستان، مصر و اردن برای رسیدن به این اهداف دارد.^۱ کشورهای غربی و اروپایی به‌طور عمده با برنامه‌ها و فعالیت‌های این محور

هماهنگ هستند. کمیته چهارجانبه بین‌المللی متشکل از سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه هم تا حد زیادی در جهت نیات و اهداف این محور فعالیت می‌کند. از زمان امضای پیمان کمپ دیوید در اوایل سال ۱۳۵۸ هجری شمسی توسط سادات، رئیس‌جمهور اسبق مصر، و همچنین در زمان حکومت حسنی مبارک، دولت مصر جزو فعال این محور و از عوامل موفقیت آن محسوب می‌شده است.

۲. محور مقاومت

این محور متشکل از دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و سوریه است که از جریان مقاومت و به‌ویژه از حزب الله لبنان و جنبش حماس حمایت می‌کنند. معمولاً دولت لبنان سیاست‌های خود در مواجهه با اسرائیل را با توجه به انتظارات این محور تنظیم می‌کند. حمایت ایران از حزب الله لبنان، قدرت عظیمی به این سازمان بخشید و آن را به مهم‌ترین توان رزمی مقاومت در برابر ارتش اسرائیل تبدیل کرد. تلاش‌ها و فعالیت‌های دو کشور ایران و سوریه موجب قدرت گرفتن حماس در سرزمین‌های اشغالی و آزادی نوار غزه و نیز بیرون رانده شدن ارتش اسرائیل از جنوب لبنان در چهارم خرداد ۱۳۷۹ هجری شمسی برابر با ۲۵ می ۲۰۰۰ شده است.^۲ شکست اسرائیل در جنگ‌های ۳۳ روزه در لبنان و ۲۲ روزه در نوار غزه، موجب سرافرازی جبهه مقاومت شد و موجی از غرور و افتخار را در بین جوانان کشورهای عربی برانگیخت. باید توجه کرد که اسرائیل تنها از جنوب لبنان و نوار غزه بدون فرایند مذاکرات صلح و گرفتن هیچ‌گونه امتیاز عقب‌نشینی کرده و این موجب موفقیت شگفت‌انگیز محور مقاومت شده است.

۳. محور قطر – ترکیه

کشورهای گردآمده حول این محور که در سال‌های اخیر فعال شده‌اند، هم با اسرائیل و هم با جنبش حماس رابطه و سعی در افزایش تاثیرگذاری سیاسی خود در مسایل خاورمیانه و به‌ویژه فلسطین دارند. آمریکا از فعالیت این محور استقبال می‌کند و آن را گامی به جلو می‌داند؛ زیرا می‌تواند گروه‌هایی مانند حماس را تعدیل نماید. پس از پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات مصر،

این کشور قصد دارد در مسیر این محور قرار گیرد. حماس با اخوان المسلمین مصر رابطه نزدیکی دارد و با این جریان دارای دیدگاه‌های مشترکی است. در بعضی از محافل سیاسی گفته می‌شود که هم‌اکنون بین اخوان المسلمین مصر، شبکه تلویزیونی الجزیره، امیر قطر، دولت ترکیه و آمریکا توافقی وجود دارد که تحولات فعلی در جهان عرب از جمله فلسطین را بر اساس رویه توافقی مدیریت نمایند تا کنترل اوضاع از دست نرود.

۴. محور عربستان

عربستان دولت مهمی در جهان اسلام است که با تکیه بر درآمد عظیم نفتی، نقش موثری در خاورمیانه ایفا کرده است. این کشور همیشه سعی کرده در مسایل فلسطین با رعایت دیدگاه‌های آمریکا فعالیت کند. دولت آل سعود به همراه بعضی از کشورهای شورای خلیج فارس و پادشاهی اردن، از جریان فتح و تشکیلات خودگردان حمایت می‌کنند. این محور که به‌عنوان جریان معتدل خوانده می‌شود، پس از سقوط حسنی مبارک تلاش دارد عربستان رهبری کشورهای میانه‌روی عرب را برعهده بگیرد. عربستان معتقد به افزایش فشارها بر ایران و تضعیف سوریه جهت از بین بردن جریان مقاومت مثل حزب‌الله و حماس است.

فرایند انجام توافق

اختلافات دو جریان فتح و حماس از قدیم الایام وجود داشته و خیلی زیاد است، ولی از چهار سال پیش تا اوایل سال ۱۳۹۰ شدت گرفت. سازمان فتح، شرط‌های چهارگانه کمیته چهارجانبه بین‌المللی را که متضمن «به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل به‌عنوان دولت یهود»، «محکوم کردن تروریسم»، «پذیرش توافقات قبلی با اسرائیل» و «تایید قطعنامه‌های سازمان ملل» است پذیرفته، در حالی که حماس آنها را قبول ندارد. از زمان پیروزی حماس در انتخابات فلسطین در سال ۲۰۰۶ تاکنون، همواره مساله آشتی ملی از معضلات مهم فلسطینی‌ها بوده است. از روزی که حماس در انتخابات مجلس فلسطین پیروز شد و اسماعیل هنیه به نخست‌وزیری رسید، اسرائیل نوار غزه را تحریم و محاصره اقتصادی و نظامی نمود و از تشکیلات

خودگردان در مقابل حماس حمایت کرد. مخالفت اسرائیل با حماس بر تعارضات و اختلافات موجود بین دو گروه فلسطینی دامن زده است. در اوایل سال ۱۳۹۰ مردم فلسطین در نوار غزه و رام‌الله تظاهراتی انجام دادند و از فتح و حماس به‌عنوان دو گروه بزرگ صحنه سیاسی فلسطین خواستند با هم متحد شوند. حماس در مسایل فلسطین نسبت به گروه‌هایی مانند جهاد اسلامی عمل‌گراتر است. تا کنون مذاکرات زیادی بین فتح و حماس از طریق کشورهای ثالث به‌ویژه مصر صورت گرفته است. از سال ۲۰۰۷ مصر مذاکرات بین این دو گروه را پایه‌گذاری کرد و تا سال ۲۰۱۰، ده دور مذاکره بین این دو گروه صورت گرفت. دولت مصر در این گفتگوها حتی با زور هم نتوانست فتح و حماس را به تفاهم برساند. در دوران حسنی مبارک، عمر سلیمان، رییس سازمان امنیت مصر، میزبان مذاکرات بود و عملاً نظرات اسرائیل را به گروه‌های فلسطینی تحمیل می‌کرد. در آن زمان مصر به دنبال تشکیل یک دولت لائیک و غیرمذهبی در فلسطین بود، به‌گونه‌ای که حماس در آن نقشی نداشته باشد. مصر به دنبال آن بود تا مدیریت بحران فلسطین را در دست بگیرد تا بتواند از آمریکا و اسرائیل امتیاز بگیرد. مصر نمی‌خواست مرز رفح باز شود؛ زیرا معتقد بود با عبور فلسطینیان از گذرگاه رفح، جریان مقاومت تقویت شده و ارتباط بین حماس و اخوان‌المسلمین برقرار می‌شود. نگاه مصر به مساله فلسطین از دیدگاه امنیتی و رعایت مصالح اسرائیل بود و بر همین اساس پرونده فلسطین به عمر سلیمان، رییس دستگاه امنیتی، واگذار شده بود. با سقوط حسنی مبارک، ابومازن بزرگ‌ترین هم‌پیمان و تکیه‌گاه خود را که به‌شدت مخالف حماس بود، از دست داد و شرایط به نفع حماس تغییر کرد. قیام مردم و تغییر رژیم مصر یکی از موانع اصلی عدم تفاهم بین فتح و حماس را از میان برداشت و فضا را برای مذاکره گروه‌های فلسطینی آماده کرد. در وضعیت فعلی انجام مذاکرات برای دولت مصر اهمیت خاصی دارد؛ زیرا این کشور می‌خواهد به مردم خود نشان دهد که در مورد مصائب فلسطینی‌ها بی‌تفاوت نیست. از سوی دیگر، مصر در حال اعاده نقش خود در منطقه و در دنیای عرب است و با این تفاهم می‌تواند بر وزن سیاسی خود بیفزاید. به هر حال گروه‌های فلسطینی در روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰ در مصر به گفتگو نشستند و توافق آشتی ملی را در قاهره امضا کردند. این دور از مذاکرات هم مثل گذشته تحت نظارت مصر انجام شد، ولی شرایط نسبت به قبل زمین تا

آسمان تغییر کرده بود. مصر سعی می کرد در مذاکرات دو گروه فلسطینی بی طرف باشد و جنبش های فتح و حماس در فضای جدیدی با هم گفتگو کنند. مصر در ایجاد بسترهای مورد نیاز برای انجام این توافق خیلی همکاری کرد و فتح و حماس هم به مصر حسن نیت نشان دادند. وضع مصر در شرایط کنونی با دوران حسنی مبارک تغییر بسیاری کرده است. اولین سفر وزیر خارجه جدید مصر به کشور همسایه خود سودان بوده است. دومین اقدام مصر به نتیجه رساندن توافق بین دو گروه فلسطینی رقیب می باشد و بیانگر توجه مصر به مسایل اطراف مرزهای خویش است. در اجلاس بین المللی قاهره که در ۱۴/۲/۱۳۹۰ به صورت رسمی توافق بین گروه های فلسطینی به امضای خالد مشعل و محمود عباس رسید، چند تن از نمایندگان عرب کنست، بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل، احسان اوغلو، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق آمریکا، نمایندگان احزاب چپ اسرائیل، تمام سران گروه های فلسطینی از جمله احمد جبرئیل، رمضان عبدالله، عمرو موسی، دبیرکل اتحادیه عرب، نبیل العربی، وزیر امور خارجه مصر، مراد موافقی، رئیس سازمان اطلاعات مصر، داوود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه، و وزیران خارجه دیگر کشورهای عربی حضور داشتند. حضور این تعداد از سیاستمداران در مراسم اعلام تفاهم بین فتح و حماس بیانگر اهمیت این توافق نامه است. در حال حاضر کشورهای عربی از موافقت نامه آشتی ملی فلسطینیان حمایت می کنند.

زمینه ها و دلایل انجام توافق

انگیزه حماس و فتح از انجام این توافق و برنامه های هرکدام برای حل مساله فلسطین متفاوت است. حماس دارای تحلیلی از تحولات در کشورهای عربی است که می خواهد از فرصت استفاده کرده و بهره سیاسی لازم را ببرد و مسایل و گرفتاری های خود را حل کند و امتیازاتی را از رقیب بگیرد. تغییرات و تحولات در منطقه و فروپاشی نظام حسنی مبارک در مصر و زین العابدین بن علی در تونس تاثیر بسیار مثبتی در قضیه فلسطین و به ویژه بر روند آشتی ملی بین گروه های فلسطینی داشته است. مشکل عمده در مذاکرات قبلی میانجیگری مصر بود که

نه تنها بی طرف نبود، بلکه به شدت علیه گروه حماس عمل می کرد و اعضای آن را بازداشت و شکنجه می نمود. اما در مذاکرات فعلی مصر قصد تحمیل نظرات خود یا دیدگاه های اسرائیل را بر فلسطینی ها نداشت، بلکه اعلام کرد از توافقات دوجانبه بین فتح و حماس حمایت خواهد نمود. تغییر سیاست و شیوه مصر زمینه را جهت به ثمر رسیدن مذاکرات و حصول آشتی ملی فراهم کرد. از سوی دیگر، وضع فعلی و قیام مردم در سوریه که مهم ترین هم پیمان حماس در منطقه است، باعث شده تا حماس به فکر استفاده از پایگاه ها و دیگر فضا های منطقه ای به ویژه کشورهای مصر و احتمالاً قطر باشد. جنبش حماس فقط متکی بر توانمندی مقاومت نیست، بلکه جریان واقع گرا و عمل گرایی است که سعی می کند در فرایند قدرت فلسطین سهیم باشد. حماس حتی جلوی فعالیت های جهادی سایر گروه های فلسطینی علیه اسرائیل که همسو با سیاست های وی نباشند را می گیرد. در شرایط کنونی حماس دارای سه امتیاز «داشتن اسیر اسرائیلی»، «قدرت حاکمیت در نوار غزه» و «امکان استفاده از سلاح مقاومت» می باشد و می خواهد از آنها جهت حل مشکلات خود بهره لازم را ببرد. برای حماس شکستن محاصره نوار غزه مهم است تا بتواند ظرف یک سال آینده با دریافت کمک از کشورهای مسلمان، خرابی های نوار غزه را بازسازی کند و با این دستاورد بتواند در انتخابات مجدداً رای بیاورد. تا کنون قبول پرداخت ۳۰۰ میلیون دلار کمک برای بازسازی نوار غزه داده شده است. اما مهم ترین دلایل این توافق را می توان به شرح ذیل بیان داشت.

۱. به بن بست رسیدن گفتگوهای صلح

فرایند گفتگوهای سازمان آزادی بخش فلسطین با رژیم صهیونیستی از سال ۱۳۷۲؛ یعنی به مدت ۱۸ سال برقرار بوده، ولی تا کنون دستاورد ملموسی برای فلسطینیان نداشته است. جنگ غزه گفتگوهای تشکیلات خودگردان فلسطینی با رژیم اسرائیل را متوقف کرد، ولی با از سرگیری آن در طول سال ۱۳۸۹، شهرک سازی ها نیز از سوی اشغالگران ادامه یافت و محمود عباس به هیچ نتیجه ملموسی نرسید. از این رو ابومازن در ماه های قبل از گفتگوهای آشتی با حماس در وضعیت ضعیفی به سر می برد و به تنهایی نمی توانست گفتگوها با اسرائیل را به سرانجام مطلوبی

برسانند. از سوی دیگر، اسرائیل می‌داند که بدون توافق حماس، تشکیلات خودگردان قادر به سپردن هیچ تضمین و تعهدی به اسرائیل نیست. همچنین رژیم صهیونیستی بر این باور است که گرچه با مذاکره با جنبش حماس نمی‌تواند به صلح برسد، ولی بدون حضور گروه حماس در گفتگوها هم رسیدن به صلح امکان‌پذیر نیست.

۲. طرح تشکیل دولت فلسطینی

برنامه ارایه طرح تشکیل دولت فلسطینی به مجمع عمومی سازمان ملل از مهم‌ترین اقدامات بین‌المللی فلسطینیان محسوب می‌شود. بنا بر پیشنهاد اتحادیه عرب و پیگیری فلسطینی‌ها، طرح تشکیل کشور فلسطین بر اساس مرزهای قبل از جنگ سال ۱۹۶۷ در شهریور ۱۳۹۰ به مجمع عمومی سازمان ملل ارایه شد تا به رای شورای امنیت گذاشته شود. در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ مناطقی همچون قدس شرقی، صحرای سینا، بلندی‌های جولان، نوار غزه و کرانه غربی به اشغال اسرائیل درآمد.^۳ در سال‌های قبل، طرح تاسیس و شناسایی دولت فلسطینی در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شد، ولی آمریکا آن را وتو کرد. این طرح بر اساس قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸ و ۱۸۵۰ سازمان ملل ارایه شده و از مشروعیت بین‌المللی زیادی برخوردار است. لازم به ذکر است که شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه ۲۴۲ مورخ ۱۹۶۷/۱۱/۲۲ خواستار خروج فوری اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی شد. در مجمع عمومی سازمان ملل از بین حدود ۲۰۰ عضو، تعداد ۱۸۸ رای قطعی برای فلسطینی‌ها وجود دارد. لازمه موفقیت این طرح وجود یک مجموعه فلسطینی یک‌پارچه و با صدای واحد برای پیگیری آن در عرصه جهانی است. به همین منظور پس از تفاهم اخیر، دو گروه فتح و حماس مذاکرات خود را به منظور شیوه طرح مساله تشکیل کشور فلسطین در سازمان ملل در ۱۳۹۰/۳/۲ به میزبانی روسیه در مسکو ادامه دادند. باید توجه کرد که سال‌ها قبل اسرائیل در سازمان ملل به‌عنوان کشوری که مرزهای آن تعیین نشده، به رسمیت شناخته شده است. با تعیین مرزهای ۱۹۶۷ برای دولت فلسطین، عملاً مرزهای اسرائیل هم تعیین خواهد شد. اگر این طرح به مرحله اجرا درآید، برپایی دولت فلسطین در ۶۰۰۰ کیلومتر مربع و در ۲۲ درصد از اراضی تاریخی فلسطین شکل خواهد گرفت و در نهایت

به نفع اسرائیل خواهد بود؛ زیرا بر اساس قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل قرار بود ۴۴ درصد سرزمین فلسطین به فلسطینی‌ها اختصاص یابد. با تصویب تشکیل دولت فلسطینی در سازمان ملل، تمام شهرک‌سازی‌های اسرائیل در درون مرزهای ۱۹۶۷ و همچنین ضمیمه‌سازی قدس به اسرائیل غیرقانونی خواهد شد. قرار است پس از اقدام سازمان ملل، کشورهای جهان به تدریج این کشور فلسطینی را به رسمیت بشناسند. با تصویب این طرح، چالش جدیدی برای اسرائیل ایجاد خواهد شد و رژیم صهیونیستی در مقابل جامعه جهانی قرار خواهد گرفت.

۳. تضعیف موقعیت تشکیلات خودگردان

افشای ۶۰۰ سند پایگاه اطلاعاتی ویکی لیکس در اوایل سال ۱۳۹۰ از مفاد گفتگوهای سران دولت خودگردان فلسطینی با مسئولین رژیم اسرائیل، موجب تضعیف ابومازن در افکار عمومی جهان عرب شد. محتوای این اسناد که بیانگر رفتار تحقیرآمیز دولت خودگردان و فساد بعضی از وابستگان و آشنایان محمود عباس بود، منجر به تقاضا برای استعفای صاحب عریقات مذاکره‌کننده ارشد فلسطینی شد. محتوای بعضی از این اسناد از شبکه تلویزیونی الجزیره هم پخش شد و افکار عمومی فلسطینی‌ها را تحت تاثیر ابعاد منفی آن قرار داد. بر اساس این اسناد و نیز بازجویی‌های انجام شده از مفسدان اقتصادی دولت مبارک در مصر، معلوم و مشخص شده است که طارق و خالد فرزندان محمود عباس با استفاده از رانت‌جویی و پول فلسطینی‌ها ثروتمند شده‌اند.^۴

۴. وضعیت بد زندگی در نوار غزه

پس از حمله اسرائیل به نوار غزه و تشدید محاصره ۱/۵ میلیون فلسطینی در این منطقه، وضعیت زندگی مردم نسبت به قبل هم وخیم‌تر گردید. سازمان ملل در گزارشی که از وضعیت اقتصادی در نوار غزه در ۱۳۹۰/۳/۲۳ منتشر کرد، یادآور شد که از هر دو نفر یک نفر در نوار غزه بیکار است. نرخ بیکاری در این منطقه به بیش از ۴۵ درصد رسیده و درآمد مردم نسبت به قبل از محاصره به یک سوم کاهش پیدا کرده است.^۵ هم‌اکنون بعضی از آوارگان جنگ ۲۲ روزه بر

روی چادرهایشان نوشته‌اند ۱۹۴۸؛ یعنی اسرائیل در جریان جنگ غزه، تخریب منازل فلسطینی‌ها را به وضعیت سال ۱۹۴۸ بازگرداند و زندگی و پیشرفت را در نوار غزه به عقب انداخت. لازم به ذکر است که اسرائیل در جریان جنگ ۲۲ روزه تلفات و خسارات زیادی را به مردم غزه وارد کرد. ارتش اسرائیل ۴۸۰۰ خانه و منزل مسکونی را به‌طور کامل ویران نمود، حدود ۳ میلیارد دلار به زیربناها و تأسیسات عمومی در غزه زیان وارد کرد و بیش از ۱۴۰۰ مرد و زن فلسطینی از جمله ۴۱۰ کودک را در این منطقه به کام مرگ کشاند.^۶ چنین وضعیتی جنبش حماس را تحت فشار قرار می‌داد تا فکری برای خروج از آن بکند و یکی از راه حل‌ها توافق با فتح جهت رفع محاصره نوار غزه بود.

۵. قیام‌های مردمی در کشورهای عربی

بروز اعتراضات مردمی علیه حکام مستبد عرب که از روزهای آخر پاییز ۱۳۸۹ آغاز و منجر به پیروزی مردم در کشورهای تونس، مصر و لیبی گردید، فضا را برای کنار گذاشتن اختلافات بین فتح و حماس فراهم کرده است. تغییر معادلات و ساختارهای قدرت و نیز به‌هم ریختن آرایش سیاسی در خاورمیانه، فرصت مناسبی را برای فلسطینیان جهت هم‌گرایی بیشتر فراهم آورده است. فرار بن علی، رئیس جمهور تونس، و کنار گذاشتن حسنی مبارک از قدرت به نفع گروه حماس و به ضرر تشکیلات خودگردان و اسرائیل بوده است. از سوی دیگر، شروع اعتراضات در سوریه که یکی از پایگاه‌های مهم جریان مقاومت بوده، حماس را به فکر کاستن از تکیه خود به سوریه و اتخاذ مواضع میانه‌روتر کرده است. بر همین اساس، حماس دفاتر خود را به تدریج به کشورهای مصر و قطر منتقل کرد.^۷ پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات مصر موجب شد حماس تا حدود زیادی از انزوای بین‌المللی بیرون آید و وضعیت سیاسی و منطقه‌ای مناسب‌تری پیدا کند. در همین راستا، اسماعیل هنیه و خالد مشعل در یک سفر دوره‌ای از کشورهای مصر، قطر، سودان، تونس، ترکیه و بحرین دیدار کردند. اسماعیل هنیه هم به ایران آمد و در مراسم بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در میدان آزادی تهران (۲۲ بهمن ۱۳۹۰) سخنرانی کرد. از سوی دیگر، گسترش اعتراضات در سوریه و نزدیکی فکری حماس با جریان‌های مخالف

دولت سوریه، موجب شده اسماعیل هنیه در سخنرانی خود در نماز جمعه دانشگاه الازهر در شهر قاهره در روز ۱۳۹۰/۱۲/۵ «بر ملت قهرمان سوریه که در راه آزادی، دموکراسی و اصلاحات تلاش می‌کند درود بفرستد و اعلام نماید که حماس از خواسته‌ها و اهداف مردم سوریه حمایت می‌کند.» همچنین، تحولات در جهان عرب باعث شده است اسرائیل به تدریج باور کند که وضعیت گذشته سیاسی در منطقه خاورمیانه تغییر کرده است. پیش از این اسرائیل با دولت‌هایی در جهان عرب مواجه بود که بدون توجه به ترکیب و تنوع آنها در دنیای عرب می‌توانست با رهبران آنها به نفع منافع خود توافق کند، اما با سقوط حسنی مبارک و بن‌علی در مصر و تونس، اسرائیل به این نتیجه رسید که با ادامه سیاست‌های گذشته و با قدرت یافتن مردم در کشورهای عربی منزوی‌تر خواهد شد و تفاهم با مردم عرب سخت‌تر از توافق با روسای جمهور مادام‌العمر و پادشاهان خودکامه جهان عرب است.

مفاد توافق

هدف اصلی این توافق را می‌توان باز شدن راه برای تشکیل دولت فلسطینی دانست. در مصالحه بین فتح و حماس یک نوع غافل‌گیری صورت گرفت و توافق صلح خیلی سریع و غیرمنتظره بود. دو گروه فلسطینی که ظرف سال‌ها گفتگو به نتیجه نمی‌رسیدند، ظرف مدت پنج ساعت با هم مذاکره و توافق کردند. هر دو گروه در مورد مفاد بعضی از بندها ظرف پنج دقیقه به توافق رسیدند. تنها در مورد بند سه توافق‌نامه که مربوط به امنیت است، مذاکرات حدود سه ساعت به طول انجامید. علت طولانی شدن بحث در باره این بند، اختلاف نظر بر سر چگونگی اداره نیروهای امنیتی و نحوه فرماندهی آنها بود. در نهایت قرار شد که نیروهای امنیتی حماس و فتح ادغام نشوند، ولی فرماندهی آنها مشترک باشد. در این مذاکرات عزام الاحمد از جنبش حماس در کنار ماجد فرج، رئیس سرویس اطلاعاتی تشکیلات خودگردان و رابط و مسئول هماهنگی با اسرائیل نشست. وی پیشنهاد فتح مبنی بر ادغام ۳۰۰۰ نفر از نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان با نیروهای امنیتی نوار غزه را رد و این موضوع را یک مساله امنیتی دانسته بود که نیروهای سیاسی فلسطینی نباید در آن دخالتی داشته باشند. در نهایت این موضوع با

توافق بر سر تشکیل یک کمیته فرماندهی امنیتی که وظیفه اصلی آن بازسازی نیروهای امنیتی است، حل شد. مهم‌ترین مفاد توافق عبارت است از:

۱. به رسمیت شناخته شدن مرزهای ۱۹۶۷

مرزهای ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ هجری شمسی) مرزهایی است که تا قبل از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل برقرار بود و شامل مناطق کرانه باختری رود اردن، نوار غزه و قدس شرقی است. قبلاً فلسطینی‌ها در مذاکرات و گفتگوهای خود بر مرزهای ۱۹۴۸ تأکید می‌کردند، ولی آرام آرام به مرزهای ۱۹۶۷ جهت تشکیل دولت فلسطینی در کنار دولت یهودی اسرائیل راضی شدند. با پیوستن کشورهای مصر و اردن به روند سازش و نرم شدن مواضع دولت‌های عربستان، قطر و امارات در برابر اسرائیل، فلسطینی‌ها تا حد زیادی در برابر تجاوزات اسرائیل تنها شدند و سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم به روند سازش پیوست. با فعال شدن گروه فتح در مذاکرات صلح، تشکیلات خودگردان فلسطین پیشنهاد کرد که قدس شرقی پایتخت فلسطین و قدس غربی پایتخت اسرائیل باشد، اما اسرائیل بر تقسیم‌ناپذیری این شهر تأکید داشته و همه شهر را پایتخت ابدی خود می‌داند. خالد مشعل در مراسم امضای توافق‌نامه با اعلام اینکه ساف مسئول گفتگو با اسرائیل است، محمود عباس را برای مدیریت گفتگوها تقویت کرد.

۲. تشکیل ستاد انتخاباتی

این ستاد با توافق تمامی گروه‌های فلسطینی با حضور محمود عباس جهت برگزاری انتخابات مجلس، ریاست تشکیلات خودگردان و شورای ملی فلسطین تشکیل می‌شود. قرار است انتخابات به صورت هم‌زمان و یک سال پس از امضای توافق‌نامه وفاق ملی به مرحله اجرا درآید.

۳. عدم مخالفت جنبش‌های فتح و حماس با اجرای وظایف و تصمیمات نهاد رهبری

مشروط به اینکه این وظایف و تصمیمات با اختیارات کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین تعارضی نداشته باشد، این توافق سازمان آزادی‌بخش فلسطین بر اساس یک مرجعیت

موقت بازسازی خواهد شد تا بتواند جهت‌گیری‌های سیاسی و امنیتی را بر اساس توافق‌نامه ۲۰۰۵ قاهره اتخاذ نماید. کمیته این مرجعیت موقت متشکل از دبیرکل‌های احزاب و گروه‌های فلسطینی به رهبری محمود عباس است.

۴. تشکیل کمیته عالی امنیتی

با بهره‌گیری از افسران متخصص و به شیوه‌ای صحیح و درست، کمیته عالی امنیتی با توافق و تایید تمامی گروه‌های فلسطینی تشکیل می‌شود. در چنین وضعیتی سازمان‌های امنیتی تشکیلات خودگردان و جنبش حماس فرصت بازسازی واحدهای خود را پیدا می‌کنند. موضع‌گیری و جبهه‌گیری‌های سیاسی از سوی سازمان‌های امنیتی دو طرف پایان خواهد یافت و دستگیری‌ها و بازداشت‌های اعضای طرفین توسط نیروهای امنیتی خاتمه می‌یابد. با اجرایی شدن این بند، زندانیان دو طرف نیز از سوی گروه‌های فتح و حماس آزاد خواهند شد. در جهت اجرایی شدن این بند، محمود عباس تعداد ۴۰ تن از زندانیان حماس را در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۷ به مناسبت فرا رسیدن عید سعید فطر آزاد کرد.^۸ هنوز تعداد ۱۲۰ زندانی حماس در زندان‌های تشکیلات خودگردان وجود دارند.

۵. تشکیل دولت انتقالی تکنوکرات

با کنار گذاشتن سلام فیاض، ایجاد دولتی کاری و بدون برنامه سیاسی حزبی برای تمام مناطق فلسطین مورد توافق قرار گرفت. بنا بر گفته رییس تشکیلات خودگردان، هیچ‌یک از اعضای فتح و حماس در دولت انتقالی حضور نخواهند داشت و این دولت از افراد مستقل تشکیل خواهد شد. در این دولت تکنوکرات، نخست وزیر و وزرا از طریق توافق میان گروه‌های فلسطینی انتخاب می‌شوند. این دولت دو وظیفه مهم، یکی پیگیری عملیات بازسازی نوار غزه و پایان دادن به محاصره آن، و دیگری فراهم کردن شرایط لازم جهت برگزاری انتخابات را برعهده دارد.

۶ از سرگیری فعالیت مجلس فلسطین

طبق توافق نامه آشتی ملی، قرار بر آن شد که مجلس ملی فلسطین که مدت ها است به دلیل بازداشت نمایندگان حماس توسط اسراییل عملاً تعطیل شده است، دوباره بر اساس قانون اساسی فعالیت خود را آغاز نماید.^۹

در مجموع می توان گفت که در وضعیت کنونی، توافق دو گروه اصلی فتح و حماس اقدامی لازم و ضروری و در جهت منافع ملت فلسطین بوده است، ولی نمی توان آن را یک عمل راهبردی ارزیابی کرد، بلکه یک اقدام تاکتیکی است؛ زیرا تشکیلات خودگردان از شیوه سازش با اسراییل دست نکشیده است و حماس هم بر ادامه مقاومت در برابر صهیونیست ها تاکید می ورزد. بنابراین راهبردهای این دو گروه فلسطینی همچنان با هم متعارض و غیرقابل جمع است.

نتایج توافق حماس با فتح

اولین بار یاسر عرفات در روز سه شنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۷ برابر با ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸ بیانیه استقلال و تشکیل دولت فلسطین را در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه برای شورای ملی فلسطین مشتمل بر ۴۵۰ عضو قرائت کرد و بر بیت المقدس به عنوان پایتخت کشور فلسطین تاکید نمود. با صدور این بیانیه، سازمان فتح رسماً وجود اسراییل را پذیرفت و این آغاز اختلاف بین گروه های فلسطینی بود. در آن زمان ۳۷ کشور جهان از جمله مالزی، ترکیه، اندونزی و بنگلادش دولت مستقل فلسطین را به رسمیت شناختند، ولی آمریکا و اسراییل آن را رد کردند. به نظر می رسد پس از گذشت سال ها، هم اکنون هم آمریکا و اسراییل و هم بعضی از گروه های فلسطینی مخالف عرفات به این طرح راضی شده اند. خالد مشعل در سخنرانی امضای توافق نامه صلح از اینکه فتح به مقاومت باز گشته، استقبال کرد و در عین حال گفت از تشکیل دولت فلسطینی در اراضی ۱۹۶۷ استقبال می کند. این بار سوم است که حماس تشکیل دولت فلسطینی را در مرزهای ۱۹۶۷ به رسمیت می شناسد و این اقدام را یک گام به جلو می داند. با انجام این توافق، محمود عباس توانست در جریان اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک طرح تشکیل دولت فلسطینی را در روز جمعه ۱۳۹۰/۷/۱ به بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل، ارایه دهد و آن را

به‌عنوان یک پیروزی برای فلسطینیان مطرح نماید. همچنین دولت فلسطین در روز دوشنبه ۱۳۹۰/۸/۹ به عضویت یونسکو که وابسته به سازمان ملل است، درآمد. این در حالی بود که آمریکا، اسرائیل و انگلیس به شدت با عضویت فلسطین در این نهاد بین‌المللی مخالفت کردند و آمریکا در واکنش به آن، کمک ۶۰ میلیون دلاری خود به یونسکو را قطع کرد. علاوه بر آن، عمده‌ترین نتایج توافق فتح و حماس را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. دو گروه فتح و حماس یکدیگر را از اولویت درگیری‌ها و تضادهای خود کنار گذاشته‌اند و عملاً امتیازگیری از اسرائیل در راس اهداف اصلی هر دو گروه قرار گرفته است. با این توافق از این پس نیروهای فلسطینی به جای حرکت در جهت خنثی کردن توان یکدیگر، در مسیر تقویت هم و دفاع از منافع مردم فلسطین گام برخواهند داشت.

۲. با انجام این توافق، تصمیم در مورد آینده فلسطین به مردم واگذار شده است تا در انتخابات آینده دولت خود را تعیین کنند.

۳. با این توافق عملاً یک مجموعه فلسطینی ایجاد شد که اسرائیل و آمریکا می‌توانند با آن مذاکره نمایند و به توافق برسند. بنابراین اسرائیل در مناقشه و دعوای خود با یک مجموعه فلسطینی مواجه خواهد بود.

۴. با توجه به آنکه شهرک‌سازی‌های اسرائیل در محدوده اراضی سال ۱۹۶۷ از سوی سازمان ملل و دادگاه بین‌المللی لاهه غیرقانونی اعلام شده است، اسرائیل باید شهرک‌سازی در محدوده اراضی ۱۹۶۷ را متوقف کند تا شرط طرف فلسطینی برای آغاز مذاکرات فراهم شود.

۵. دولت مصر جهت بازگشایی گذرگاه رفح جهت رفت و آمد افراد و انتقال کالا ظرف چند روز اقدام خواهد کرد. با اجرایی شدن توافق فتح و حماس، دولت مصر مرز رفح را از روز شنبه هفتم خرداد ۱۳۹۰ بازگشایی کرد.^{۱۰} به این ترتیب، گام اول در شکست محاصره نوار غزه برداشته شد. لازم به ذکر است که گذرگاه رفح در پی تسلط حماس بر نوار غزه در سال ۱۳۸۶ به طور کامل بسته شده بود.

۶. مصر برای بازسازی نوار غزه با فلسطینی‌ها همکاری خواهد کرد.

۷. این توافق درگیری و مناقشه فلسطینی - فلسطینی را تا حد زیادی می‌تواند حل کند.

۸. اجرای توافق یک بازی برد-برد برای حماس و فتح است.

منافع توافق برای جریان فتح

از زمان برگزاری اجلاس مادرید در سال ۱۹۹۱ تاکنون، جریان فتح سلاح را بر زمین گذاشته و به روند مذاکره و سازش با اسرائیل روی آورده است. سازمان آزادی‌بخش فلسطین، اسرائیل را به رسمیت شناخته و محمود عباس مقاومت را غیرقانونی اعلام کرده است. در وضع فعلی متن توافق‌نامه عمدتاً به نفع تشکیلات خودگردان است. همچنین نتایج و آثار ذیل را می‌توان برای جریان فتح برشمرد:

۱. طبق توافق آشتی ملی، سازمان آزادی‌بخش فلسطین (فتح) به نمایندگی از سوی تمام جریان‌های فلسطینی مسئول گفتگو با اسرائیل است و این امتیاز بزرگی برای گروه فتح است. محمود عباس برای ادامه مذاکره با صهیونیست‌ها باید نشان می‌داد که نماینده تمام فلسطینی‌هاست تا توافقات وی ارزش اجرایی پیدا کند. این توافق مشکل فتح را برای مذاکره با اسرائیل و توافق بر سر تشکیل دولت فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ و نیز ارایه درخواست عضویت فلسطین در سازمان ملل را حل می‌کند. بنابراین با این اقدام، زمینه برای تشکیل دولت فلسطینی در اراضی ۱۹۶۷ پدید آمده است.

۲. وقت قانونی دولت خودگردان، مجلس و هیأت دولت فلسطین پایان یافته است و برای تشکیل دولت جدید نیاز به برگزاری انتخابات است تا هم ابومازن و هم اسماعیل هنیه مشروعیت پیدا کنند.

۳. امکان حضور گروه فتح و تشکیلات خودگردان در نوار غزه به وجود می‌آید. اجرای این توافق‌نامه راه را برای ورود ابومازن به غزه باز می‌کند و او می‌تواند در خانه عرفات مستقر شود.

۴. بنابر گفته خالد مشعل، حماس در هرگونه اقدام نظامی علیه اسرائیل در منطقه به‌ویژه از نوار غزه، با مسئولان فتح هماهنگ خواهد بود و این به مفهوم کنار گذاشتن اجرای عملیات علیه اسرائیل است که فتح به دنبال آن است. البته حماس اعلام کرده است که توسل به حق، دفاع در قبال حملات احتمالی اسرائیل را برای خود محفوظ نگه می‌دارد.

منافع توافق برای حماس

حماس معتقد است پس از تشکیل کشور فلسطین بر اساس مرزهای ۱۹۶۷، آنگاه زمان تصمیم‌گیری برای به رسمیت شناختن اسرائیل یا عدم پذیرش رژیم صهیونیستی فرا خواهد رسید. در شرایط کنونی توافق انجام شده با فتح، دولت حماس را از مشکلات ناشی از ترکیب مسئولیت هم‌زمان حکومت و مقاومت آزاد می‌کند و امتیازات ذیل را برای حماس در بر خواهد داشت.

۱. حماس در افکار عمومی ساکنین نوار غزه به دلیل خرابی‌های ناشی از جنگ ۲۲ روزه زیر سوال است. هنوز تعداد زیادی از اهالی نوار غزه آواره هستند و در چادرها زندگی می‌کنند. با این توافق ابزار و امکان محاصره کامل نوار غزه از اسرائیل گرفته خواهد شد و بازسازی منطقه غزه امکان‌پذیر می‌شود. در صورت بازسازی درست نوار غزه امکان باقی ماندن در قدرت برای حماس وجود خواهد داشت.

۲. حماس امکان فعالیت در کرانه باختری رود اردن را پیدا می‌کند و می‌تواند دامنه فعالیت‌های خود را در سرتاسر سرزمین‌های فلسطینی با امنیت خاطر توسعه دهد. باید توجه داشت که بخش اصلی سرزمین فلسطین که جمعیتی حدود دو برابر نوار غزه را در خود جای داده، کرانه باختری است که محیط مناسبی برای فعالیت‌های آینده حماس در سرزمین فلسطین به شمار می‌رود.

۳. با حضور حماس در سازمان امنیتی تشکیلات خودگردان، ساختار امنیتی این تشکیلات که توسط آمریکا و اسرائیل بر اساس طرح دایتون ایجاد شده است، دچار تغییر شده و اگر هشیارانه عمل شود فرو می‌ریزد. البته تکلیف دحلان در تشکیلات امنیتی روشن نشده و او خود یکی از محورهای اختلاف بین حماس و فتح بوده است.

۴. حماس می‌تواند دفتر خود را در کشورهای دیگری مانند مصر، تونس و اردن راه‌اندازی نماید و کشورهای جدیدی را در کنار سوریه به محل فعالیت‌های خود تبدیل نماید تا اگر در سوریه بر اثر قیام مردم تحولی رخ داد، بتواند پیش‌بینی‌های لازم را کرده باشد. هم‌اکنون حماس دفتر سیاسی خود را به اردن منتقل کرده و خالد مشعل در این کشور مستقر شده است.

۵. احداث دیوار فولادی در مرز رفح از سوی مصر متوقف می‌شود و با این اقدام از فشار محاصره نوار غزه کاسته می‌شود.

۶. با این تفاهم‌نامه عملاً حماس مشروعیت خود را بر صحنه بین‌المللی تحمیل و مهم‌ترین حربه اسرائیل علیه خود یعنی محاصره نوار غزه را خنثی می‌کند. باید به این نکته هم توجه کرد که اگر مدیریت خوبی پس از انجام این آشتی صورت نگیرد، ممکن است این توافق‌نامه باعث اختلاف بین سران گروه حماس در داخل نوار غزه با سران حماس مستقر در دمشق ایجاد کند، همان‌طور که پس از اعلام این توافق محمد الضحار از مسئولین بلندپایه حماس در نوار غزه گفتگو با اسرائیل را وقت تلف کردن نامیده و بر ادامه مقاومت تاکید کرده است. البته تا زمانی که هر دو گروه فتح و حماس از مزایای این توافق بهره می‌برند، بر پایداری به آن تاکید خواهند کرد.

موضوعاتی که در توافق آشتی ملی وجود ندارد

مسایل اصلی و عوامل مهم تولیدکننده اختلافات بین گروه‌های فتح و حماس که بر سر چگونگی آزادسازی سرزمین‌های فلسطینی از چنگال اشغالگران است، در این توافق‌نامه حل نشده است. از سوی دیگر، اسرائیل همیشه از گفتگو درباره مسایل اساسی فلسطین امتناع ورزیده و سعی داشته است از طریق مذاکرات، حضور خود در سرزمین‌های فلسطینی را تثبیت نماید. با مطالعه متن توافق آشتی ملی مشخص می‌گردد که در توافق بین فتح و حماس مسایل ذیل مسکوت مانده است:

۱. موضوع قدس؛

۲. مساله بازگشت آوارگان فلسطینی؛ و

۳. چگونگی ادامه مقاومت.

باید توجه کرد که تا تکلیف مسایل فوق در مذاکرات بین فلسطینی‌ها و اسرائیل روشن نشود، همیشه زمینه بروز اختلاف بین گروه‌های فلسطینی وجود خواهد داشت. بعید است همه گروه‌های فلسطینی بتوانند صلح با اسرائیل را بدون بازگشت آوارگان به سرزمین مادری خود بپذیرند.^{۱۱}

تأثیر توافق بر اسرائیل

از سال‌ها قبل اسرائیل گزینه امنیتی خود را بر اساس «سرزمین بدون صلح» قرار داده، در حالی که راهبرد آمریکا «سرزمین در برابر صلح» است. اسرائیل نسبت به توافق فتح و حماس کاملاً حساس است. واکنش‌ها در اسرائیل نسبت به توافق نامه آشتی ملی فلسطینیان متفاوت بوده است. یک گروه کاملاً مخالف این توافق هستند و معتقدند که این تفاهم‌نامه شرایط را برای اسرائیل سخت می‌کند. نتانیاهو در واکنش به توافق فتح و حماس از محمود عباس خواست که توافق‌نامه صلح با حماس را پاره کند. وی در کنگره آمریکا اعلام کرد: «نزاع ما با فلسطینی‌ها بر سر تشکیل کشور فلسطین نیست، بلکه در مخالفت با دولت یهودی است. ما اشغالگر نیستیم. ملت یهود در سرزمین تاریخی خود زندگی می‌کند.» او گفت: «دولت فلسطین باید خلع سلاح شود.» اگر تشکیل دولت فلسطین به رسمیت شناخته شود، اسرائیل باید از ۹۷ درصد اراضی کرانه باختری عقب‌نشینی کند. بر اساس این طرح اسرائیل مجبور است به طرح کلینتون برگردد و بپذیرد که کرانه باختری را همچون نوار غزه به طور کامل به فلسطینیان باز گرداند. با اجرایی شدن این توافق، اسرائیل باید آماده شود رودرروی حماس بنشیند و مذاکره کند، همان‌طور که در آفریقای جنوبی بالاخره سفیدهای حاکم در مقابل سیاه‌ها نشستند و دولت انگلیس با ایرلندی‌های مخالف خود مذاکره کرد. این در حالی است که صهیونیست‌ها خواهان به رسمیت شناخته شدن اسرائیل به عنوان کشور ملت یهود نه تنها از سوی آمریکا، بلکه از طرف فلسطینی‌ها هستند. اسرائیل معتقد است هرگونه امضای توافق صلح با فلسطینی‌ها باید در برگیرنده درخواست‌های یهودی‌ها از جمله تضمین امنیت مرزهای فلسطین اشغالی و تعهد فلسطینی‌ها به بقای اسرائیل باشد. به هر حال، اسرائیل از توافق فتح و حماس راضی نیست و با عدم پرداخت موقت حدود ۹۰ میلیون دلار عوارض گمرکی به تشکیلات خودگردان، عصبانیت خود را نشان داد. با توسعه جنبش آزادی‌خواهی در کشورهای پیرامون فلسطین اشغالی، اسرائیل در برابر تحولات منطقه منفعل شده است و قیام‌های مردم عرب را طوفان و سونامی می‌خواند. قیام‌ها نشان داده است که گروه‌های مذهبی در کشورهای عربی دارای انسجام بوده و انرژی‌زا هستند و سکولارها در جریان این نهضت‌ها خیلی ضعیف ظاهر شدند و این برای اسرائیل نگران‌کننده

است. شیوه امنیت‌سازی اسرائیل بر مبنای معاهده کمپ دیوید با مصر، قرارداد اسلو با فلسطینیان و قرارداد عربی با اردن بوده است تا به این وسیله کشورهای هم‌جوار اسرائیل متعهد به تضمین امنیت و بقای اسرائیل باشند. دگرگونی اوضاع در کشورهای پیرامون اسرائیل به‌ویژه مصر، راهبرد اسرائیل را در برابر فلسطینی‌ها تغییر خواهد داد. با اجرایی شدن توافق بین فتح و حماس، احتمالاً اسرائیل برای حفظ بقا و تحت فشار دولت آمریکا، مجبور به عقب‌نشینی از مواضع سرسختانه قبلی خواهد شد. نتانیاهو در سخنرانی خود در کنگره آمریکا که در واکنش به سخنان اوباما انجام شد، ضمن متعلق دانستن قدس به اسرائیل گفت که در صلح نهایی مورد نظر وی، محدوده دو کشور فلسطین و اسرائیل به‌گونه‌ای مرزبندی می‌شود که مجتمع‌های بزرگ یهودی‌نشین در کرانه باختری در خاک اسرائیل باقی می‌ماند و این به مفهوم عدم پذیرش مرزهای ۱۹۴۷ است. تاکنون سه شهرک بزرگ با بیش از ۳۰ هزار جمعیت در عمق اراضی فلسطینیان در شرق بیت‌المقدس و کرانه باختری ساخته شده است که یهودیان در آنها ساکن شده‌اند. با این اظهارات و سخنان اوباما مبنی بر امکان مبادله اراضی، به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها حتی اجازه تشکیل دولت فلسطین را در تمامی سرزمین‌های سال ۱۹۴۷ نخواهند داد. از سوی دیگر، با تحولات به وجود آمده در کشورهای عربی، اسرائیل مجبور است راهبرد نظامی خود را تغییر دهد و کشور مصر را به‌عنوان یک هم‌پیمان راهبردی تلقی نکند و مرزهای مصر را به‌عنوان مرزهای امن تصور ننماید. با این تحولات، اسرائیل ناگزیر از افزودن بر بودجه نظامی خود خواهد شد. هم‌اکنون حرف از ضرورت اختصاص یک بودجه ۲۰ میلیارد دلاری از سوی آمریکا به اسرائیل از طرف محافظ صهیونیستی مطرح است. با تغییر شرایط، اسرائیل می‌تواند تصور کند که ممکن است در یک زمان جبهه جنوب لبنان، نوار غزه، کرانه باختری، جبهه جولان و صحرای سینا و حتی اردن علیه صهیونیست‌ها فعال شوند که در این صورت، مصیبت بزرگی برای اشغالگران خواهد بود. راهبرد اسرائیل تاکنون برای مواجه شدن با یک یا دو جبهه در آن واحد بوده است، در حالی که در وضعیت کنونی باید به احتمال وقوع جنگ در چند جبهه فکر کند. البته این توافق می‌تواند در کوتاه‌مدت بعضی از مشکلات جزیی اسرائیل را نیز حل کند. اسرائیل می‌تواند پس از اعلام طرح تشکیل دولت جدید فلسطین و دادن امتیازاتی به

فلسطینی‌ها؛ از جمله آزادی هزار اسیر فلسطینی شامل ۴۵۰ زندانی درخواستی حماس، این موضوع را که با جنگ ۲۲ روزه غزه نتوانست حل کند، به سرانجامی برساند و فضا را برای خروج از بن بست مذاکرات با فلسطینی‌ها بگشاید. بالاخره همان طور که پیش‌بینی می‌شد، گیلعاد شالیط سرباز اسرائیلی با تعداد ۱۰۲۷ اسیر فلسطینی مبادله گردید که پیروزی بزرگی برای حماس بود. اولین گروه از اسرای فلسطینی که ۴۵۰ مرد و ۲۷ زن بودند، در روز سه‌شنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۰ آزاد شدند. دومین گروه هم شامل ۵۵۰ اسیر فلسطینی در روز دوشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۰ آزاد شدند. محمود عباس در مراسم استقبال از تعدادی از گروه اول اسرا تاکید کرد، آشتی میان گروه‌های فلسطینی از زندان‌ها آغاز شده و خطاب به آزاد شدگان گفت: شما آشتی ملی را به مرحله کنونی رسانده‌اید و به امید خدا این آشتی به سرانجام خواهد رسید. شالیط هم پس از آزادی گفت: «دوست دارم این تبادل راه را برای تحقق صلح بین فلسطین و اسرائیل باز و مناسبات دو طرف را تقویت کند»^{۱۲} طبیعی است که این موفقیت مدیون وحدت و همکاری فتح و حماس و یکی از نتایج توافق بین این دو گروه است. این اقدام نوعی از کاهش تنش را بین اسرائیل و فلسطینی‌ها نشان می‌دهد و فضا را از حالت جنگی به سمت آرامش بیشتر در منطقه سوق می‌دهد.

آمریکا و توافق

از دیر باز صلح اعراب و اسرائیل به عنوان موضوع مهم سیاست امنیتی آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شده است. همیشه روسای جمهور آمریکا خواهان حل اختلافات میان اسرائیل و فلسطینیان بوده‌اند، ولی هیچ‌گاه به عنوان یک میانجی بی طرف عمل نکرده‌اند، بلکه به عنوان دولتی متعهد به بقا و امنیت اسرائیل طرح‌های خود را ارائه و دنبال کرده‌اند. پس از اعلام توافق بین گروه‌های فلسطینی، رییس جمهور آمریکا در روز پنجشنبه ۱۳۹۰/۲/۲۹ طی سخنانی در ساختمان وزارت امور خارجه بر لزوم تشکیل دو دولت فلسطینی و اسرائیلی بر مبنای مرزهای ۱۹۴۷ تاکید کرد و اظهار داشت: به رسمیت شناختن مرزها برای تشکیل دو کشور الزامیست.^{۱۳} البته منظور او با ما فقط تشکیل دو دولت مستقل یهودی و فلسطینی بر اساس این مرزها نیست،

بلکه بحث تبادل زمین سه مجتمع شهرک‌نشین در شرق بیت‌المقدس هم مطرح است که با باقی ماندن این شهرک‌ها در دست اسرائیل، عملاً همه یا بخش مهمی از بیت‌المقدس شرقی از دست فلسطینی‌ها خارج می‌شود. از سوی دیگر، اوباما تأکید کرد که دولت فلسطینی از نیروی مسلح محروم خواهد بود و عملاً در برابر اسرائیل قدرت دفاعی نخواهد داشت. رییس‌جمهور آمریکا در سخنان خود گفت: «صلح نیازمند مشارکت دو طرف است. هیچ صلحی را نمی‌توان تحمیل کرد ضمن آنکه تاخیر در این مساله به معنای پایان یافتن آن نیست. مردم فلسطین باید این حق را داشته باشند که کشور خود را اداره کنند. رویای تشکیل کشور یهودی و دموکراتیک اسرائیل با اشغال دایم محقق نمی‌شود.»^{۱۴} برای فلسطینی‌ها هم تلاش برای نفی مشروعیت اسرائیل به شکست منتهی خواهد شد. این سخنان یک روز پیش از دیدار بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با باراک اوباما در واشنگتن انجام شد. پس از دیدار با نتانیاهو بار دیگر اوباما در سخنان خود در روز یکشنبه ۱۳۹۰/۳/۱ در مجمع سالانه کمیته روابط عمومی اسرائیلی-آمریکایی ضمن تشریح سیاست‌های کلان ایالات متحده در مورد منطقه خاورمیانه، به‌طور اصولی از تاسیس کشور مستقل فلسطین بر اساس مرزهای قبل از سال ۱۹۴۷ با اسرائیل حمایت کرد. وی گفت: اقدامات نمادین برای منزوی کردن اسرائیل در سازمان ملل در ماه سپتامبر باعث تشکیل شدن کشور مستقل فلسطین نخواهد شد. تعهد ما به امنیت اسرائیل غیرقابل تزلزل است. بوش هم در دو سال آخر ریاست جمهوری خود به این نتیجه رسید که اگر دولت فلسطینی تشکیل نشود، امنیت اسرائیل در خطر است. اولمرت، نخست‌وزیر اسرائیل، هم تشکیل دولت فلسطینی را برای بقای اسرائیل ضروری دانست. بعضی از سیاستمداران در آمریکا اظهارات اخیر اوباما را به منزله تغییر آشکار سیاست‌های آمریکا در قبال صلح خاورمیانه تعبیر کرده‌اند و آن را علامت تغییر مواضع دولت اوباما نسبت به اسرائیل می‌دانند. موضع اوباما بهترین موضع روسای جمهور آمریکا نسبت به مساله فلسطین در طول تاریخ است، ولی بحث شهرک‌سازی اسرائیل و بازگشت آوارگان فلسطینی در مواضع او شفاف نیست. اوباما تاکنون همه فرایند شهرک‌سازی‌های اسرائیل را غیرقانونی اعلام نکرده است، در حالی که بوش آن را غیرقانونی می‌دانست. وی موضوع شهرک‌سازی و بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین‌های

خود را مسایل حاشیه‌ای می‌داند و معتقد است که شاید در آینده بتوان آنها را حل و فصل کرد. تاکنون هیچ‌یک از رییس‌جمهورهای آمریکا چنین مواضع نسبتاً مناسبی را در قبال فلسطین اتخاذ نکرده بودند. حزب جمهوری‌خواه و محافظه‌کاران، اوباما را متهم کردند که با این سخنان روند مذاکرات صلح خاورمیانه را تضعیف کرده است. نخست‌وزیر اسرائیل هم در دیدار با اوباما در روز جمعه ۱۳۹۰/۲/۳۰ تاکید کرد که اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ عقب‌نشینی نمی‌کند و در مصاحبه مشترک از طرح رییس‌جمهور آمریکا انتقاد کرد. نتانیاهو در سخنرانی خود در کنگره آمریکا که در ۱۳۹۰/۳/۳ انجام شد، بار دیگر تکرار کرد که اسرائیل هرگز به مرزهای سال ۱۹۶۷ باز نمی‌گردد؛ زیرا این مرزها دیگر قابل دفاع نیست و امنیت امروز را تامین نمی‌کند. آماده پذیرش صلح هستیم، اما هر توافقی باید تغییرات سکونت گسترده‌ای را که بعد از سال ۱۹۶۷ صورت گرفته است، به رسمیت بشناسد. او گفت: اسرائیل هیچ طرحی را برای تقسیم بیت‌المقدس نخواهد پذیرفت. وی افزود، اگر فلسطینی‌ها اسرائیل را به‌عنوان کشوری یهودی به رسمیت بشناسند، دولت او در برابر صلح واقعی که امنیت اسرائیل را تضمین کند، با سخاوت بسیار عمل خواهد کرد. نتانیاهو افزود: «اسرائیل دوستی بهتر از آمریکا و آمریکا دوستی بهتر از اسرائیل ندارد.» مواضع رییس‌جمهور آمریکا موجب اختلاف نظرهای جدی بین سران آمریکا و اسرائیل شده است. طبیعی است که از این به بعد اسرائیل تمام تلاش خود را برای تغییر رویکرد آمریکا به کار خواهد گرفت و با کمک محافظه‌کاران و لابی‌ایپک برای جلوگیری از تحقق آن اقدام خواهد کرد. اوباما هم پس از این اظهارات در جمع یهودیان ایپک حاضر شد و سعی کرد حمایت خود از اسرائیل را نشان دهد. در واقع حمایت آمریکا از شکل‌گیری دولت فلسطین به‌منظور تضمین امنیت و بقای اسرائیل است. حماس هم در واکنش به اظهارات اوباما تاکید کرد هرگز اسرائیل را به رسمیت نخواهد شناخت. حماس از سال ۲۰۰۶ بر تشکیل کشور فلسطین بر اساس مرزهای سال ۱۹۶۷ با حق بازگشت آوارگان فلسطینی تاکید ورزیده است. به نظر می‌رسد در پرتو تحولات خاورمیانه و قیام‌های مردم در کشورهای عربی به‌ویژه موفقیت مردم در مصر، آمریکا نیاز به تغییر و تصحیح مواضع خود پیدا کرده است. با انتشار این سخنان می‌توان پذیرفت که توافق فتح و حماس با هماهنگی و خواست آمریکا صورت گرفته است.

واقعیت این است که سیاست آمریکا در چند دهه گذشته در منازعات بین فلسطینی‌ها و اسرائیل، عمیقاً در جهت منافع تل آویو حرکت کرده است. اوباما حتی از اینکه فلسطینی‌ها در شهر یورماه قصد مراجعه به سازمان ملل و طرح مساله تاسیس دولت فلسطینی از طریق مجمع عمومی را دارند نیز سخت دلخور است و در سخنرانی خود فلسطینی‌ها را مورد عتاب قرار داده است که از این کار دست بردارند. در حالی که این حداقل کاری است که در وضعیت فعلی فلسطینی‌ها می‌توانند انجام دهند؛ زیرا تمام راه‌های دیگری را که دنبال کرده‌اند همگی با بن‌بست جانبداری آمریکا از اسرائیل مواجه شده است. پس از طرح عضویت فلسطین در سازمان ملل، آمریکا مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار کمک به فلسطینیان را مسدود کرد. البته پس از گذشت حدود سه ماه مبلغ ۴۰ میلیون دلار آن را در نهم دی ماه ۱۳۹۰ آزاد کرد، ولی همچنان پرداخت ۱۹۲ میلیون دلار کمک‌های مالی برای پروژه‌های زیربنایی در نوار غزه و کرانه باختری را حفظ کرد.^{۱۵}

چگونگی نگاه و رفتار ایران

مساله فلسطین پس از پیروزی انقلاب اسلامی همیشه در راس حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. امام خمینی (ره) در دوران حیات مبارک خویش تمام همت و تلاش خود را برای آزادسازی فلسطین به کار گرفت. ایران همیشه از وحدت گروه‌های فلسطینی در برابر اشغالگران قدس حمایت کرده است. تشکیل دولت فلسطینی همیشه مورد استقبال ایران بوده است، ولی جمهوری اسلامی وجود دولتی غیرفلسطینی را در سرزمین‌های فلسطین به رسمیت نمی‌شناسد. در وضعیت کنونی که گروه‌های فلسطینی برای نزدیکی مواضع خود با هم به تفاهم رسیده‌اند، موضع‌گیری ایران در برابر این توافق باید با دقت و بدون شتاب‌زدگی صورت گیرد. ایران می‌تواند با فرصت ایجاد شده از تمام توان خود برای شکستن محاصره غزه استفاده نماید. با فاصله گرفتن مصر از اسرائیل، ظرفیت ایران برای پر کردن خلاءهای قدرت نمایان می‌شود. در پی تحولات خاورمیانه و با حذف حسنی مبارک از قدرت، عربستان در راس جریان سازشکار جهان عرب قرار گرفته است و اسرائیل هم روی عربستان سرمایه‌گذاری می‌کند. هم‌اکنون اقدام برای عضویت کشورهای مغرب و اردن در شورای همکاری خلیج فارس به مفهوم

تقویت جریان سازشکار عربی و تشکیل شورای کشورهای دارای ساختار پادشاهی در جهان عرب است. تشکیل محور ایران، ترکیه و مصر می تواند به حل مشکلات منطقه کمک کند و وضعیت فلسطین را تغییر دهد. شرایط متحول جهان عرب شیوه جدیدی را برای تحقق آرمان مردم فلسطین به وجود آورده است. ایران می تواند با طرح مساله بازگشت شش میلیون آواره فلسطینی به سرزمین های مادری، زمینه را برای تشکیل دولتی فراگیر در سرزمین های اشغالی با سناریوی هر فلسطینی یک رای فراهم آورد. این طرح بر یک پارچگی سرزمین های فلسطینی تاکید دارد و تجزیه آن را به دو بخش یهودی و فلسطینی نمی پذیرد و اصولاً طرح دو دولت را اجرایی نمی داند.

نتیجه گیری

توافق غیرمنتظره دو جریان فلسطینی فتح و حماس برای دست برداشتن از اختلافات دیرینه و رسیدن به آشتی ملی و نیز تشکیل یک دولت ائتلافی، به همان اندازه که برای فلسطینی ها و ملت های کشورهای اسلامی خوشحال کننده بود، برای اسرائیل نگران کننده و ناراضی کننده بود. به احتمال زیاد این توافق با نظر آمریکا و کمک دولت جدید مصر صورت گرفته و علامت پذیرش مقاومت از سوی آمریکا به منظور تسهیل در تشکیل دولت یهود است. تاکید ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه انگلیس، در پاسخ به سوالاتی در صفحه توئیتر مبنی بر تشکیل کشور فلسطین در مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷ و اظهار نظر وی که بیت المقدس باید پایتخت فلسطین و اسرائیل باشد و شهرک های اسرائیل در خاک فلسطین غیرقانونی هستند و باید بر اساس قوانین بین المللی در باره آنها برخورد شود و این شهرک ها مانعی در روند صلح هستند، علامت تغییر محسوس سیاست آمریکا و دولت های دوست آمریکا درباره مساله فلسطین و اسرائیل است. در این توافق، حماس از برنامه مقاومت در برابر اسرائیل دست نکشیده و اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد و حاضر به شناسایی اسرائیل به عنوان یک دولت نیست، اما ادامه آن مشخص نیست. با این توافق حماس وارد یک بازی و ایفای یک نقش جدید در مسایل فلسطین شده است که اگر مراقبت نکند، به سرعت تضعیف خواهد شد. ممکن است با اجرایی شدن این توافق نامه، آرام آرام حماس به سمت یک جنبش سیاسی تمام عیار حرکت کند و مقاومت را از اولویت خود کنار بگذارد. الگوی حماس، ترکیه

و اخوان المسلمین است. خالد مشعل گفته است الگوی ما اردوغان نخست‌وزیر ترکیه است. جنبش حماس از ایران فقط جهت دریافت پول و کمک بهره می‌جوید و عملاً سیاست‌های سوریه را در حوزه مسایل فلسطین دنبال می‌کند باید توجه داشت که اخیراً عبدالله گل، رییس جمهور ترکیه، بر به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی جنبش حماس اصرار داشته است. آمریکا هم با الگوی ترکیه و فعال شدن نقش این کشور در کشورهای اسلامی موافق است و آن را نمونه خوبی از دموکراسی در کشورهای اسلامی می‌داند؛ زیرا ترکیه معتقد به نابودی اسرائیل نیست و آن را به رسمیت می‌شناسد. این توافق در صورت اجرایی شدن، می‌تواند شکل و تاکتیک مبارزات فلسطینی‌ها را تغییر داده و شیوه‌های مدنی و دیپلماتیک را جایگزین جنگ مسلحانه علیه اسرائیل کند. در این صورت می‌توان به برپایی باشکوه‌تر روز قدس در جهان عرب امیدوار شد و به طرح‌هایی نظیر انجام یک راهپیمایی بزرگ برای حرکت آوارگان فلسطینی به سوی سرزمین‌های اشغالی فکر کرد و مسلمانان را برای اجرای آن بسیج نمود. حداقل حسن توافق‌نامه آشتی ملی، تنش‌زدایی در روابط بین گروه‌های فتح و حماس است، اما مساله مهم در وضع فعلی اجرایی شدن این توافق‌نامه است که مورد تردید خالد القدومی، نماینده حماس در تهران، می‌باشد.^{۱۶} تجربه تاریخی نشان داده است که هر دو گروه فتح و حماس به دنبال اجرای بخشی از توافق‌نامه خواهند رفت و معلوم نیست که تا آخر به آن پایبند بمانند ابومازن نمی‌تواند راساً تصمیمات توافق‌نامه را در کرانه باختری به مرحله اجرا درآورد. اجرایی شدن این توافق‌نامه به تمایل و خواست اسرائیل هم بستگی دارد؛ زیرا در کرانه باختری ۶۰۰ ایستگاه بازرسی و نگهبانی اسرائیلی وجود دارد و بدون هماهنگی اسرائیل هیچ توافقی قابل اجرا نیست. از سوی دیگر، اگر با برگزاری انتخابات فلسطین حماس در دولت خودگردان عضو شود، کمک‌های کنگره آمریکا به تشکیلات خودگردان حذف خواهد شد. در نهایت باید گفت، هر توافقی که فلسطینی‌ها را از رودررویی و درگیری با یکدیگر دور کند و بین آنها هم‌گرایی ایجاد کند، مفید حال ملت فلسطین است اما با توجه به برنامه آمریکا برای تشکیل دولت یهود در فلسطین اشغالی، باید به این توافق‌نامه با دیده احتیاط نگریست. اما اگر این توافق‌نامه منجر به اعلام دولت فلسطینی از سوی سازمان ملل شود، هرگونه اقدام برای توسعه بخشیدن به شناسایی کشور مستقل فلسطین توسط دولت‌ها و مجامع بین‌المللی، محدودیت بیشتری را برای اسرائیل ایجاد خواهد کرد.

پاورقی‌ها:

۱. جیمی کارتر، فلسطین صلح یا نژادپرستی، ترجمه محمد حسین وقار، تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۲۳.
۲. علیرضا عرب، استراتژی نظامی و امنیتی اسرائیل، تهران: جمعیت دفاع از ملت فلسطین، ۱۳۸۹، ص ۳۲.
۳. مهران کامروا، خاورمیانه معاصر، تاریخ سیاسی پس از جنگ جهانی اول، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲.
4. <http://wikileaks.ch/>
۵. رادیو فارسی بی بی سی، مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۴.
6. Reuters Agency, 18 Jan 2009.
۷. رادیو بی بی سی، اخبار ۶ صبح ۱۳۹۰/۲/۹.
۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۹۰/۶/۷.
۹. خبرگزاری قدسنا، مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۰.
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ یکشنبه ۱۳۹۰/۳/۸، ص ۱۶.
۱۱. منوچهر محمدی و پیروز غفرانی، بحران فلسطین و آینده آن، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۸.
۱۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۰/۷/۲۷.
۱۳. روزنامه ملت ما، شنبه ۱۳۹۰/۲/۳۱، ص ۱.
۱۴. خبرگزاری فرانسه، مورخ جمعه ۱۳۹۰/۲/۳۰.
۱۵. سایت وزارت خارجه آمریکا، ۱۳۹۰/۱۰/۹.
۱۶. مصاحبه خالد القدومی با روزنامه شرق، ۱۳۹۰/۳/۳، ص ۱.